gajmarket.com.ir خرید آنلاین

خدیو: پادشاه، خداوند

براندیشیدن: ترسیدن

سپَردن: پای‌مال کردن، زیر پا گذاشتن

بازارگاه: کوچهٔ سرپوشیده که از دو سوی دارای دکّان باشد؛ در متن درس، مقصود اهل بازار است.

پشت پای: روی پا، سینهٔ پا

زخم درای: ضربهٔ پتک؛ درای، در اصل زنگ کاروان است.

بپویید: حرکت کنید، به پا خیزید

آهرمن: اهریمن

گُرد: مبارز، دلاور

سالار: سردار، کسی که دارای مقام بلند باشد.

غو: نعره کشیدن، فریاد، خروش، غریو

گرز گاوسر: گرز فریدون که سر آن شبیه سر گاو بوده است.

ترگ: کلاه‌خود

گنج حکمت (کاردانی)

زورآزمایی: پهلوانی، نشان دادن زور و نیرو

شهره: نامدار، معروف

بدر: کامل و تمام (ماه شب چهاردهم)

هلال: ماه نو

زال: پیر

الحاح: اصرار، درخواست کردن

تفرّج: گشت‌وگذار، تماشا، سیر و گردش

نفیر: فریاد و زاری با صدای بلند

درحال: فوراً، بلافاصله، همان لحظه

فایق: برگزیده، پیروز

مجرّد: صِرف

لاف زدن: خودستایی کردن، دعوی باطل کردن

معنی ابیات

صفحهٔ ۱۰۳ تا ۱۰۵ کتاب‌درسی

چو ضحّاک شد بر جهان شهریار　　بر او سالیان انجمن شد هزار

پادشاهی ضحّاک در جهان هزار سال طول کشید.

نهان گشت کردار فرزانگان　　پراگنده شد نام دیوانگان

در دوران ضحّاک روش خردمندان از بین رفت و افراد دیوسیرت و کم‌خرد به شهرت رسیدند. (تسلّط افراد فرومایه)

آرایه نهان، پراگنده - فرزانگان، دیوانگان: تضاد / واج‌آرایی حرف «ن»، «گ» و مصوت «ا»

هنر خوار شد، جادویی ارجمند　　نهان راستی، آشکارا گزند

علم و معرفت بی‌ارزش شد در حالی که سحر و جادو ارزشمند شد. راستی و درست‌کاری در جامعه پنهان و آسیب و آفت و ناراستی آشکار شد. (اوضاع نابسامان)

آرایه هنر، جادویی - خوار، ارجمند - نهان، آشکار - راستی، گزند: تضاد

برآمد برین روزگار دراز　　کشید اژدهافش به تنگی فراز

مدت زیادی با همین اوضاع گذشت و ضحّاک که مانند اژدها بود، دچار سختی و تنگنا شد.

آرایه واج‌آرایی حرف «ر» / اژدهافش (ضحاک (محذوف) مانند اژدها): تشبیه

@cbooks